

عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی دیدگاه سنایی و مولوی در مورد سفر

محل انتشار:

جستارنامه ادبیات تطبیقی، دوره 2، شماره 5 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسنده:

رضا آقاپاری زاهد - گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

خلاصه مقاله:

در ادبیات فارسی، سفر با دو بعد جسمانی و عرفانی در اشعار شاعران آمده است، بعد معنوی که از آن با عنوان سفر درونی، روحانی و باطنی یاد می‌کنند، اصل اندیشگانی ادبیات عرفانی است، این سفر، سیرالی الله است که در نهایت با فنا فی الله به نوعی به تولد دوباره-ی سالک (بقای بعد فنا) ختم می‌شود، تمام تلاش عرفا در یک کلام، هدایت انسان به این مسیر هست، چنانچه اگر اندیشه های عارفان را در طی قرن‌ها بررسی کنیم به یک پیوند اندیشگانی در این رابطه می‌رسیم. هرکدام در بیانی دیگر اما مفهومی یکسان بر سفر درونی تاکید دارند. در این مقاله اندیشه‌های دو قطب بزرگ عرفان: سنایی و مولوی در این رابطه بررسی شده است، سفر در بعد جسمانی و عرفانی در شعر آن‌ها بسیار توصیه شده اما اهمیتی که سفر باطنی دارد، سفر جسمانی ندارد، حاصل تحقیق نشانگر این است، هر دو شاعر رسالت عرفانی خود را در این دیده‌اند که انسان را در مسیر شناخت هویت الهی خود قرار بدهند. بنابراین توصیه به سفر درونی دارند، سفر اجباری انسان هبوط او از عالم علوی به این جهان است و انسان با سفر درونی باید تلاش کند دوباره به آن عالم برگردد؛ آداب آن نیز ترک شهوات دنیایی و سیر و سلوک عرفانی با پیروی از پیر راهنما است، از این منظر می‌توان آن را با کهن‌الگوی سفر قهرمان بررسی کرد.

کلمات کلیدی:

سنایی، مولوی، سفر، جسمانی، درونی، سالک

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1812727>

